

## عنوان مقاله:

پیوند اندیشه مرگ در فهلویات باباطاهر و کلیات سعدی

## محل انتشار:

چهارمین همایش تجلیل از مفاخر همدان «همایش ملی هزاره باباطاهر» (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

## نویسنده:

حسن دهقان - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور شیراز

## خلاصه مقاله:

و فهلویات شورانگیز باباطاهر که حالا بیش از هزار است و در ضمیر روشن پارسی زبانان سینه به سینه نقل شده تا به ما رسیده، نمادی از اندیشه بلند انسانی و الهی است. تجلی تمام مفاهیم عرفانی از غم هجران، عشق، زهد، توکل، بلا و صبر گرفته تا رضا، مشاهده و مراقبه، وجد و سماع و البته مرگ و جاودانی در دوبیتی های این عارف بزرگ همدان به چشم می خورد. در این میان اندیشه مرگ در فهلویات باباطاهر نمود پررنگی دارد. او مرگ را آخرین علاج دردهای بی شمار انسان می داند و از طرفی با یادآوری آن، مدام به غافلان و اهل دنیا درباره عواقب دنیاپرستی هشدار می دهد. او نه همچون مولانا همواره مرگ را می ستاید و نه چون خیام و هم داستانانش با نگاه نفرت به آن می نگرد. باباطاهر نگاهی ریالیستی به پدیده مرگ دارد و به شرط فراهم آوردن توشه برای آخرت، آن را لذت بخش توصیف می کند. گرچه امید و بیم از نیستی و مرگ ناشی از غم هجران نیز در دوبیتی هایش موج می زند. شیخ اجل سعدی شیرازی در این اندیشه، همداستان باباطاهر است؛ این دو نه زندگی را فدای مرگ کردند و نه مرگ را فدای زندگانی. این مقاله به پیوند مرگ اندیشی این دو عارف و شاعر بزرگ زبان و ادب پارسی می پردازد و رگه های پررنگ تشابه اندیشه مرگ را در آثار افصح المتکلمین شیراز و رند بلندآوازه همدان بررسی می کند

## کلمات کلیدی:

مرگ اندیشی، سعدی، مرگ، کلیات سعدی، باباطاهر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/745799>

